

معمای مداخله شوروی به افغانستان

(بخش دوم)

فیاض نجیمی بهرمان

بخش اول

در نوشتار قبلی کوشیده شد تا بر دلایل لشکر کشی شوروی به افغانستان و جوانب و علل مختلف آن مکث صورت گیرد، پیش از اینکه مبحث را ادامه دهیم لازم دانسته شد تا در چند نکته روشنی انداخته شود:

1- نویسنده به این باور بوده و است که تلاش های روسها برای گستردن حوزه نفوذ شان در افغانستان، از متن تحولات درونی آنکشور بر می خاسته است؛

2- لشکر کشی قوای شوروی به افغانستان پیامد مبارزه برای قدرت، در درون حزب کمونیست شوروی و ارگانهای امنیتی آن بوده است؛

3- نقش شخصیت های افغانی درین رویداد ها دست دوم و تا سطح مجریان سیاست های بزرگ پایین می آید نه چیز بیشتر؛

4- به همینگونه، نقش رهبران دموکراتیک خلق در آوردن قوای شوروی به افغانستان در یک بحث خیلی خوشباورانه نیز از درجه سوم و یا دوم بهتر نمی شود - «آنها» قوا را نیاوردند، بلکه قوا «آنها» را آورد! (1)

5- و بالاخره سیاست های اتخاذ شده از 1978 تا 1990 در افغانستان، روی مسایل اصلی و مهم، نه طرح و ابتکار رهبران ح. د. خ. ا (وطن) بلکه شوروی ها بوده که عمدتا از ماسکو دیکته می شده و یا بعضا هم در کابل از طریق سرمشاوران و مشاوران شوروی مطرح میگردد.

ما این بحث ها را به سادگی میتوانیم در درون متون و اسنادی که از آرشیف های حزب کمونیست اتحاد شوروی بیرون زده است، پیگیری نمائیم.

اما پیش از پرداختن به اسناد مهم پنداشته شد تا ارچند کوتاه در باره مناسبات افغانستان با روسیه و شوروی و تبعات آن در رشد و انکشاف حرکت های سیاسی درکشور ما یادآوری چند انجام دهیم.

اگر ما دولت های خاندان هایی را که در خاک افغانستان کنونی مرکز داشته اند، به نوعی دولت های افغانستان بنامیم؟ در آن صورت نخستین تماس سیاسی روسیه به سطح سفیر مربوط به سال 1464 مسیحی یعنی زمان تیموری های هرات میگردد. (2) بعدتر این تماس ها از طریق گسیل مسیونر های ارتودکس روسی به دربار مغولان هند و از طریق خاکهای افغانستان کنونی ادامه یافت (3) و در زمان احمدشاه درانی پی گرفته شد. (4) چند دهه بعد، احفاد احمدشاه درانی به دوام تماس با روسها پرداختند؛ ولی علاقمندی روسها از زمان امیر شیرعلی خان به سوی افغانستان بیشتر گردید. معاملات پنهانی روسها با انگلیس از پائیز 1865 به بعد نشانه اینگونه علاقمندی ها میتواند تلقی شود. در آن سال نخستین توافق نامه روس با انگلیس در باره ایجاد منطقه بیطرف میان متصرفات هر دو امپراتوری، که خاکهای افغانستان را نیز شامل می شد، به امضا رسید. (5) *

در توافق نامه انگلیس - روس (مورخ 31 جنوری 1873) در مورد تقسیم حوزه های نفوذی در آسیای میانه، رودآمو به حیث مرز شمالی منطقه حایل پذیرفته شد. پس از برخورد نظامی میان روسها و افغانها در منطقه تاشقبری، توافق نامه دیگری میان روسیه و بریتانیه کبیر در مورد تحدید مرزهای افغانستان به امضا رسید. *

تحکیم قدرت بلشویک ها سبب شد که آنها بیشتر از روسیه تزاری، به منطقه و افغانستان علاقمندی و آزمندی نشان دهند - نویسنده این قلم در مبحث «برگشت خرس» توضیح نموده است که دولت روسیه بلشویکی چگونه خلاف ادعا، نه تنها در چاپ پای امپراتوری تزاری رفت بلکه پا را از آن فراتر گذاشته و مطابق اصل «انقلاب دوامدار و جهانی»، مناطقی را که در قیمومیت دولت تزاری بود به خاک های خود ملحق ساخت - صرف فنلند از این سیاست مستثنا گردید؛ زیرا استاتو و داستان آن دیگر بود.

بعد از به رسمیت شناختن دولت تازه به استقلال رسیده افغانستان، روسها به سرعت کوشیدند تا اهرم های نفوذی شان را درین کشور ایجاد نمایند. اولین نشانه اینگونه تلاش ها عبارت از اساسگذاری گروهی زیر نام «کمیته مرکزی انقلابیان جوانان افغان» در بخارا بود. (6) درینباره آ. خایفتس در یک مقاله یی که به مناسبت شصتمین سالگرد عقد اولین قرارداد روسیه - افغانستان از سال 1921 مسیحی نگاشته بود، گزارش میدهد. سپس ام. والودارسکی در زمینه عطف توجه می نماید ولی مسایل جدیدی را دستیاب خواننده نمی سازد. (7)

به هر حال اسناد مربوط به مرکز حفظ و آموزش اسناد تاریخ معاصر روسیه، بعضا گزارشاتی در مورد آسیای میانه و افغانستان دارد، که بخش جنبش های مخالف افغانی در عصر امان الله خان از جالبیت خاص برخوردار است. به روایت اسناد، سیاست روسیه در آن زمان، به شدت زیر تاثیر طرح های چوکات شده پیروزی قریب الوقوع انقلاب جهانی هم در غرب و هم در شرق قرار داشت. سیاست مذکور با وجود تبلیغات گسترده، فاقد گرایش صلحخواهانه و بیشتر دارای اهداف سیطره طلبانه بود. برای تحقق خط تعیین شده، می بایست تمام امکانات سیاست خارجی و هم نهاد های اجرائی از جمله شاخه های کمینترن مورد استفاده قرار می گرفت.

در پایان سال 1919 مسیحی شورای تبلیغات بین المللی که بخش شرقی کمینترن هم نامیده می شد، ایجاد گردید. در سال 1920 زیر رهبری شورا، حزب «عدالت» پارس، حزب کمونیست بخارا و احزاب ترکی، خیوه ای و افغانی سامان داده شدند. (8)

در سال 1920 در بخارا «کمیته مرکزی انقلابیان جوانان افغان» تحت رهبری «حاجی محمد یعقوب» ایجاد گردید که اعضای آنرا عمدتا افغانهای ساکن بخارا، ترکستان و روسیه تشکیل میدادند. آنها از به ثمر رسیدن انقلاب از راه ساقط نمودن رژیم امانی و اعلان جمهوریت در افغانستان حمایت می نمودند. حتا آنها برای نیل به اهداف شان از حکومت شوروی تقاضای یاری در راستای ایجاد «غند های سرخ» را نمودند. آنها همچنان در برنامه های تاکتیکی خود ترور شخصیت ها و رجال سیاسی را نیز مفروض میدانستند. از این منظر بحث ترور در حوزه سیاسی در کشور ما - تا قتل نادر خان - افق جدیدی را باز می نماید. دولت افغانستان با اطلاع از آن حرکت ها، خواستار دستگیری و اخراج اعضای سازمان یاد شده گردید ولی بخارا همه آنها را در خاک خود امان داد. (9) فعالیت های سازمان مذکور نخست در مناطق سرحدی (قرگاه، کشک، تخته بازار و غیره) آغاز گردید و بعد به شهر های شمالی تا مزار شریف و بعد هرات نیز ادامه یافت.

بعد از سال 1921 سازمان، به علت آمدن شاخه ترکی کمینترن در تاشکند و جابجا شدن چهره های معروف به مثل سکولنیکوف، روی، سفروف و دیگران، از هم پاشید و یا هم ملغا قرار داده شد؟

مطابق اسناد بایگانی، ماسکو میکوشید تا به هر حال یک سازمان سیاسی که مجری خواستهایش در افغانستان باشد را تاسیس نماید. به همین مقصد، یک سازمان سیاسی دیگر افغانی به نام «کمیته مرکزی انقلابی افغانی» در سال 1920 در تحت ریاست «محمد غفار» در شهر ترمز ایجاد گردید که دارای 55 عضو بود - لست اعضای آن در نزد نویسنده موجود است و در آینده ضمیمه خواهد شد. (10) اعضای سازمان بیشتر از شمال افغانستان بودند ولی بعضی ها از کابل نیز در آن حضور داشتند. آنها از رهبری شوروی تقاضای کمک و حقوق ماهانه را نموده بودند.

یگانه سازمانی که در درون افغانستان ایجاد گردید، عبارت بود از «سازمان رادیکال های چپ افغانی» در هرات که حمایت و یاری نمایندگان روسی کمیساریای خلق در امور خارجی در آسیای میانه را با خود داشت. دوره فعالیت سازمان سالهای 1920 و 1921 بود. روسها آنزمان میکوشیدند تا میان سازمانهای افغانی وحدت

برقرار نمایند. سازمان هرات بیشترین توجه اش را به کار های آموزشی و روشنگرانه، پخش درسنامه ها و کار در میان نظامیان معطوف نموده بود - سازمانهای دیگر نیز مطابق درخواست ماسکو به کار و نفوذ در میان نظامیان دلچسپی داشتند. (11)

زمانی نورمحمد تره کی گفته بود که: «کار در اردو و با نظامیان یکی از اندیشه های مرکزی وی بوده است و در کشور عقب مانده افغانستان اردو حیثیت «پرولتاریای انقلابی» را داشته و پیشآهنگی «طبقه» را به عهده گرفته است.» طرحی که مطابق به اسناد از 1919 بدینسو مورد توجه بلشویک ها بوده است.

جدا از سازمان های سیاسی، ماسکو از در به خدمت گرفتن و یا مامور ساختن شخصیت های دولتی نیز بی علاقه نبود. این گزینه هم شامل حال دولتمردان دوره امانی میگردید و هم دوره حبیب الله کلکانی. مثلا شیرجان ویرادانش مورد توجه روسها قرار داشتند - میر محمد صدیق فرهنگ به استناد آقاییکوف تمایل روسها را در دوران حبیب الله بر پایه یی نظریه انقلابیت و ارتجاعیت تقسیم بندی میکند، که درست هم است. (12) * به ویژه روسها از عدم موفقیت همکاری های جمهوری هرات تحت رهبری عبدالرحیم والی آن ولا با طرح های آن جهت استقرار رژیم جمهوری در سراسر افغانستان در همکاری با عناصر «مترقی» دولت کلکانی متأسف اند. (13)

در دهه 30 آنچی مهم است همکاری دولت نادرشاه و بعد ظاهرشاه با شوروی در امر قلع و قمع جنبش بسماچی ها بود. بسماچی ها که در دوران امان الله خان از حمایت کابل برخوردار بودند و شاه امان الله از آنها به حیث وسیله یی برای تحقق هدف های توسعه طلبانه اش یعنی احیای امپراتوری بزرگ افغانستان زیر لوای اسلام استفاده میکرد، در دهه 30 از چشم دولت افغانستان افتاد و حتا در عملیات مختلف نظامی با تقبل تلفات رو به نابودی گذاشت. البته این حرکت مورد توجه و استقبال شوروی قرار گرفت.

آنچی مربوط به دهه 40 میگردد، بیشتر مسایل را باید در متن رویداد های پیش و در جریان جنگ جهانی دید، که افغانستان به همکاری با آلمان نازی هم در رابطه به آسیای میانه و هم هندوستان بی علاقه نبود. اما فشار و تهدید بریتانوی ها و شوروی ها سبب اتخاذ موقف بیطرفی افغانستان در جنگ شد - ما درین تنصیر از پرداختن به ژرفای این مسایل می پرهیزیم، صرف میکوشیم تا رده هایپیرا که عامل نفوذ شوروی در افغانستان بوده اند پیگیری نماییم.

اما بحث بر انگیزترین مراحل مربوط به دهه های 50 و 60 و بعدتر آن میگردد. در آن دوران روسها نه تنها به لایه های مختلف اجتماعی در حوزه ملکی توجه نمودند، بلکه برحسب نظریه های از پیش تعیین شده کمینترنی به نفوذ و جذب نظامیان نیز پرداختند. در سند کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی مورخ 21 جون 1974 عنوانی رهبران خلق و پرچم آنچی که به امضای «اولیانوفسکی» در باره فعال بودن سازمانهای سیاسی افغانی در اردو و نگرانی های رییس جمهور محمد داوود نگاشته شده، او میکوشد چنین تلقی نماید که گویا این عمل «رفقای افغانی» برای شوروی ها غیر مترقبه بوده و آنها ترجیح میدادند تا سازمانهای وفادار شان پا از گلیم فراتر نه نهند. اما واقعیت اینست که سازمانهای نظامی وابسته به شوروی سالهای پیش از آن نامه و با آگاهی و توافق شوروی ها، در درون دستگاه های نظامی افغانستان فعالانه به جلب و جذب نظامیان می پرداختند، که حتا عده یی از آن نظامیان نیز در نوشته های و اظهارات شان یا مستقیم و یا تلویحی از آن یاد کرده اند. در مورد حزب دموکراتیک خلق گفته می شود که آن حزب از آغاز دارای یک شاخه نظامی بوده که پیش از ایجاد آن تحت رهبری میراکبر خیبر فعالیت میکرد؛ بعدا سازمان نظامی مذکور، با غیر نظامیان وحدت نموده و به تشکیل حزب دموکراتیک خلق مبادرت ورزیدند. همچنان از ساختار های دیگری به نام های «سازمان نظامی افغانستان» (سنا) و یا «افسران هوایی» یاد می شود، که همکار با استخبارات شوروی ها قلمداد میشوند. بنابراین حوزه نظامی برای روسها حوزه دلچسپ و مورد علاقه بوده است، که تا اخیر باقی ماند.

با این توضیح قصد برین شد تا معمای تجاوز روسیه به افغانستان فرا تر از یک مرحله معین تاریخی رفته و در درون تاریخ مناسبات دو کشور پیگیری گردد. حسن کار درین است که ما باید تاریخ مانرا در بسا موارد از نو بازنگری کنیم و گوشه های تاریک آنرا بر خود روشن سازیم.

البته تا پیش از سقوط امپراتوری شوروی پرداختن به عمق، در موضوع مناسبات دو جانبه افغانستان و شوروی به دلایل نبود اسناد کار دشوار بود. اکنون که پاره‌یی از اسناد و گاهی هم خاطرات چهره‌های دارای مسوولیت‌های از نظر سیاسی و اداری مهم در دست است، به سادگی میتوان هم مسیر طرح‌های روسها را مشاهده کرد و هم اهداف و نیات آنها را شناخت.

آنچی در بعد، زیر همین عنوان می‌آید انتشار سلسله اسنادی است که از بایگانی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بیرون برآمده‌اند. مواردی هم موجود‌اند که هنوز هم ما را تا دستیابی به حلقه‌های مفقود راه نمی‌برند. اما با آنها میشود استنتاجات جدیدی از مبحث تاریخ معاصر ما کرد.

درینجا مهم پنداشته شد تا به چند موضوع توضیح داده شود: **یکی**، برخورد روسها در برابر احزاب دیگر «برادر» چیزی بیشتر از یک فرا دست و فرو دست نبوده است؛ **دوم**، احزاب وابسته به ماسکو حیثیت دفتر‌های نمایندگی و ادارات بومی حزب کمونیست شوروی در کشور‌های شان را داشته‌اند؛ **سوم**، بر اساس متون مکاتیب و فراخوان‌های حزب کمونیست شوروی می‌شود نتیجه‌گیری کرد که برخورد رهبران و کارگزاران حزب کمونیست شوروی با دیگر احزاب برخورد استعمارگرانه یعنی تحمیل خواست حاکم بر محکوم و متروپول بر اطراف بوده است؛ و بالاخره **چهارم**، آنچیزی را که به نام اصل «انترناسیونالیسم پرولتاری و یا همبستگی انقلابی» تبلیغ مینمودند چیزی جز شعار نبود. حقیقت آن بود که روسها در عقب لفاظی‌های انقلابی، دکتورین اصلی «منافع ملی» و یا «ابرقدرتی - سیطرجویانه» بی‌شان را نهان ساخته بود، که مطابق به آن منافع خود را کانالیزه می‌نمودند. در مجموع اسناد، یک سند نمونه نیز درج شده که سوا از مداخله‌گری چیز بیشتر یعنی الویت‌های «منفعتی بر همبستگی انقلابی» آنکشور را تبیین می‌کند و آن رهنمودی بوده به نجیب‌الله در باره حزب کمونیست عراق و حمایت افغانستان از رژیم صدام حسین.

اسنادی که مربوط به دوره آغاز جمهوری محمد داوود میگردد، مثال‌هایی‌اند بر ادعای بالا. حتا در مجموع اسنادی که تا اکنون بیرون برآمده به وضاحت دیده می‌شود که روسها به سادگی حاضر بوده‌اند تا به هم پیمانان خود پشت نمایند.

در پایان این جستار، لازم افتاد تا در مورد اسناد نیز تصریحاتی داده شود:

1- انتخاب اسناد

در مورد انتخاب اسناد باید گفت که سعی شد تا حد امکان از آنهایی استفاده صورت گیرد، که با مسیر این مبحث هماهنگی داشته و مکمل استدلال‌ها و حلقه‌های اتصال برای توضیح تجاوز نظامی شوروی به افغانستان بوده و همچنان تا به حال به فارسی دری برگردان نشده است.

در گزینش اسناد نیز چند موردی وجود داشته که نباید از آن گذشت:

الف - انتخاب اسناد بر اساس پیوند آن با موضوع مورد مطالعه؛

ب - جلوگیری از تکرار مکرر اسنادی که قبلا به دسترس خواننده قرار گرفته است؛

پ - گزینش اسنادی ارچند دارای اهمیت درجه دو به صورت عمومی ولی مهم و مکمل برای این مبحث؛

ت - و بالاخره نشان دادن دو رویی، تزویر و جعل سیاست‌سازان شوروی در ارائه هر سند به ویژه در اعلامیه‌ها و پیام‌هاییکه به تاریخ 27 دسامبر 1979 از جانب رهبری شوروی ارسال شده است.

2- زمان

اساساً زمان اصلی بحث قسمیکه نشان داده شد، به سال 1979 برمیگردد؛ اما بر مبنای اسناد افشا شده از بایگانی «بیرونی سیاسی حزب کمونیست شوروی» این زمان را باید هم کمی به عقب، تا سال 1973 که اسناد آن در دست ماست، برد و دید که ژرفا و پهنای مداخله در کجا و تا چی حد بوده است و هم به جلو تا سال 1990 یعنی پیش از سقوط رژیم حزب دموکراتیک خلق (وطن).

به هر حال در نوشتار حاضر و در انتخاب اسناد، عنصر زمان الویت دارد، چی اولین سندی که هم برخورد رهبری شوروی به نظام جمهورییت و هم رژیم کهنه را مشخص می کند مربوط به سال 1974 می شود. و آخرین سندی که پایان یک باب از ماجراجویی های شوروی ها را بسته می کند، به سال 1990 متعلق می شود. این دوره بیش از 15 سال، یک فصل پر از حادثه بوده، که افغانستان را در مرکز رقابت های بین المللی قرار داده بود. بنابراین، آن دوران نه تنها از نقطه نظر روابط بین المللی افغانستان، بلکه تاریخ سیاسی آن نیز از اهمیت خاص برخوردار بوده است.

3 - اهمیت اسناد

جای بحث نیست که هر سند در نوع خود مهم است. اما درینجا کوشیده شده تا از میان توده بی از اسناد در باره افغانستان، بخش هایی که مجموع سیاست های شوروی را در راستای مداخله آنکشور یا به شکل قسمی و یا کلی در امور داخلی کشور ما رده بندی می کند، انتخاب گردند. این اسناد به باور من مهم اند به ویژه که از آنها در موضوع مداخله استفاده نشده است.

در خاتمه باید گفت که این جستار همراه با برگردان اسناد، مصاحبه هایی از شاهدان عینی حوادث پیش از دسامبر 1979 را نیز با خود دارد، که به روشن شدن بسیاری از پرسش ها منجر خواهد گردید.

بینوشت ها

1- KGB in afghanistan همانجا

2- Всемирная история, т.8, Москва, М.ИСЭЛ, 1961

3- Ю.В.Ганковский. Россия и Афганистан. Наука, Москва, 1989.

4- همانجا

5- В.С.бойко, Советская Россия и афганские леворадикальные группы начала 1920-х годов. Анналы, ИВ РАН, М., 1995, вып. II, с. 74-8

6- Хейфец А. Узы добрососедства и братства нерасторжимы/К 60-летию первого советско-афганского договора// Азия и Африка сегодня, 1981

7- Володарский М.И. Советы и их южные соседи Иран и Афганистан (1917 - 1933). Overseas Publications Intercharge Ltd., L., 1985.

Российский центр хранения и изучения документов новейшей истории (далее - РЦХИДНИ), ф. 544, оп. 1, д. 9, л. 4; ф. 8-17, оп. 84, д. 80, л. 13

РЦХИДНИ, ф. 17, оп. 84, д. 242, л. 15-9

В.С.Бойко, Советская Россия и афганские леворадикальные группы начала 1920-х годов. *Анналы*, ИВ РАН, М., 1995, -10 вып. II, с. 74-8

РЦХИДНИ, ф. 495, оп. 154, д. 98, лл. -11

12- فرهنگ، میر محمد صدیق؛ افغانستان در پنج قرن اخیر؛ مطبعه آریانا؛ پشاور - پاکستان؛ 1367، صص 399-400.

Статья В.С.Бойко. Афганские альтернативы XX века: Кабулистан" Бачаи Сакао (январь - октябрь 1929 г. Основные контуры внутренней и внешней политики

* تصمیم بر آن شد تا اسناد محرم توافقات روسیه، بریتانیا نیز ضمیمه این عنوان گردد.

برگردان سند شماره 109/31 مورخ 1974/1/8

دوسیه ویژه

اشد محرم

فیصله نامه

سکرتريت (دارالانشأ) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در باره پیام (خطاب) به رهبران گروپ های «پرچم» و «خلق» حزب دموکراتیک خلق افغانستان

1- متن پیام (خطاب) به رهبران گروپ های «پرچم» و «خلق» تایید گردد و از طریق کانال های کا. گی. بی شورای وزیران اتحاد شوروی به کابل گسیل گردد. (ضمیمه است)

2- سفیر شوروی در افغانستان باید با متن پیام آشنا گردد.

امضا

نتیجه رای گیری

- بریژنف

- و دیگران

№ СТ 109/3120т 81 1974 г.

ОСОБАЯ ПАПКА

23

СОВЕРШЕННО СЕКРЕТНО

ПОСТАНОВЛЕНИЕ

Секретариата ЦК Коммунистической Партии Советского Союза

Об обращении к руководителям группировок Народно-демократической партии Афганистана "Парчам" и "Хальк"

1. Утвердить текст обращения к руководителям группировок "Парчам" и "Хальк" и направить его в Кабул по каналам КГБ при Совете Министров СССР (прилагается).

2. С текстом обращения ознакомить совпосла в Афганистане.

А. А. А.

Результаты голосования:

За: Титов, Шибур, Сундеев, Кайгородов, Умаров, Мухоморов

Выписка от

Аморозов, Помосарев

متن شماره Nr.25-C-2 مورخ 02.01.1974

- 2 -

کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش

در باره پیام (خطاب) به رهبران گروپ های «پرچم» و «خلق» ح. د. خ. ا

مطابق فیصله نامه کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش (فیصله نامه سال 1973) به شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش در همکاری با شورای وزیران اتحاد شوروی وظیفه سپرده شد تا ضمن مراجعه به رهبران حزب د. خ. ا، از جناح «پرچم»، ببرک کارمل و از جناح «خلق» نورمحمد تره کی، از آنها خواسته شود تا توانایی و مساعی شانرا در جهت حمایت از حکومت و تحکیم پایه های اجتماعی رژیم جمهوری و مبارزه علیه نیرو های ارتجاعی متمرکز سازند.

طرح پیام به ببرک کارمل و نورمحمد ته کی گسیل شود.

با کا. گی. بی مربوط شورای وزیران اتحاد شوروی (و شخص اف - کا - مارتین) در زمینه توافق صورت گیرد.

بجاست تا سفیر شوروی در افغانستان نیز با متن آشنا ساخته شود.

طرح فیصله نامه کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش ضمیمه می باشد.

معاون رییس شعبه بین المللی

امضا

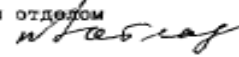
Об обращении к руководителям группировок Народной партии Афганистана "Парчам" и "Хальк"

В соответствии с постановлением ЦК КПСС (П 1973 г.) Международному отделу ЦК КПСС совместно с Министерством СССР поручено направить руководителям Народной демократической партии Афганистана "Парчам" Кармалу Вобраку и "Хальк" ("Народ") - Нур Мухаддему с призывом сосредоточить свои усилия на поддержке правительства в укреплении социального режима и борьбы с реакционными силами.

Проект обращения к К. Вобраку и Н. М. Тарали с КГБ при СМ СССР (т. Моргина Ф. К.) согласен с текстом обращения целесообразно ознакомить в Афганистане.

Проект постановления ЦК КПСС прилагается.

Зам. зав. Международным отделом
ЦК КПСС



" 2 " января 1974 года

В 25-С-2

200

« در ماسکو با نگرانی عمیق به اطلاعات رسیده از کابل در مورد ادامه مبارزه میان رهبران «پرچم» و «خلق» علیه همدیگر می نگرند. متأسفانه اینگونه مبارزه خصلت متداوم و خزنده یافته و منجر به تضعیف هردو گروه و جدایی صفوف نیرو های پیشرو و در نهایت جنبش دموکراتیک می شود.

وضع به وجود آمده صرف می تواند مایه خرسندی دشمنان داخلی و خارجی جمهوری افغانستان شود، که سرگرم سازماندهی دسایس ضد حکومتی، سبوتاژ و دیگر اعمال خصمانه در برابر رژیم نوین و جهت ابقای رژیم گذشته اند. در وضع نهایت دشوار کنونی، بر تمامی نیرو های پیشرو مدافع منافع کشور و مردم است تا با کنار گذاشتن اختلافات سلیقه ای، مساعی مشترک شانرا در راستای پشتیبانی همه جانبه از رژیم جمهوری و تحکیم پایه های اجتماعی آن بخرچ داده تا باشد که ارتجاع داخلی و خارجی پاسخ بانیسته دریافت بدارد.

درین مرحله حساس، امکان دستیابی به پیروزی برای افغانستان، صرف از طریق تلاشهای مشترک نیرو های پیشرو و وطنپرست میسر است.»

با متن پیام حاضر سفیر شوروی در افغانستان را نیز آشنا سازید.

در رابطه به اجرای آن گزارش دهید.

К А Б У Л

Встретьтесь с К.Бобраком и Н.М.Таракм и передайте в отдельности следующее.

"В Москве с глубокой тревогой относятся к сообщению из Кабула о продолжающейся взаимной борьбе между "Парчам" и "Халк". Эта междоусобная борьба, по моему мнению, затяжной характер, ведет к ослаблению обеих сторон и вносит раскол в ряды прогрессивных сил, в демократичность в целом.

Создавшееся положение может радовать только внутренних врагов Республики Афганистан, организующих различные заговоры, саботаж и другие враждебные мероприятия, стремясь реставрировать прежние порядки. В этой сложной обстановке все прогрессивные силы, руководствуясь интересами страны и ее народа, должны отбросить разногласия и объединить свои усилия на оказание всемерной помощи республиканскому режиму, укрепление его социальной базы и создание опоры внутренней и внешней реакции. Только совместными усилиями всех прогрессивных и патриотических сил можно преодолеть этот ответственный для Афганистана период."

С текстом настоящего обращения ознакомьте сопредельные органы.

Об исполнении доложите.



برگردان سند شماره 11/129 مورخ 26 جولای 1974

اشد محرم

دوسیه مخصوص

فیصله نامه

سکرتريت (دارالانشأ) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در باره اطلاعات برای رهبران سازمانهای مترقی سیاسی افغانی «پرچم» و «خلق» در خصوص نتایج دیدار محمد داوود از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

1- متن تلگرام های اطلاعاتی برای رهبران سازمانهای مترقی سیاسی افغانی «پرچم» (ک، ببرک) و «خلق» (ن، تره کی) در مورد نتایج دیدار محمد داوود از اتحاد شوروی مورد تائید قرار گیرد و متون تلگرام ها از طریق مجرای کا. جی. بی در کابل در دسترس آنها قرار گیرد. (این متن دارای ضمائم است)

2- سفیر شوروی در کابل، با متن تلگرام آشنا ساخته شود.

امضا

نتیجه رأی گیری

متن در جلسه دارالانشأ کمیته مرکزی به تاریخ 26 جولای 1974 مورد تائید قرار داد.

Пр.129/ П.Пс

منشی کمیته مرکزی رفیق سوسلف ام. آ	موافق
" " " دالگیخ وی. ای	"
" " " کاپیتونف ای. وی	"

"	کاتوشف کا. اف	"	"	"
"	کرینکو اف. دی	"	"	"
"	کولاکوف اف. دی	"	"	"
"	پوناماریف بی. ان	"	"	"
"	اوستینف دی. اف	"	"	"
"	پلشه آ. یه	"	"	"

СТ-149

№ СТ 129/ от 26.VI 1974г.
Ис

СОВЕРШЕННО СЕКРЕТНО

ОСОБАЯ ПАПКА

ПОСТАНОВЛЕНИЕ

Секретариата ЦК Коммунистической Партии Советского Союза

Об информации для руководителей афганских прогрессивных политических организаций "Парчам" и "Хальк" об итогах визита Мухаммеда Дауда в СССР

(С.т. Сулов, Кириленко, Пономарев)

1. Утвердить текст телеграммы, содержащей информацию для руководителей афганских прогрессивных политических организаций "Парчам" (К.Бобрана) и "Хальк" (Н.Тараки) об итогах визита М.Дауда в СССР и направить ее по каналам КГБ в Кабул для передачи адресатам (прилагается).

2. С текстом телеграммы ознакомить совпосла в Кабуле.

В. Сулов

В. Сулов -

Результаты голосования:

Принято на заседании Секретариата ЦК
26.VI.1974г., пр.129, п.11с

Секретари ЦК	т.Сулов М.А.	- за
	т.Долгих В.И.	- за
	т.Капитонов И.В.	- за
	т.Катушев К.Ф.	- за
	т.Кириленко А.П.	- за
	т.Кулаков Ф.Д.	- за
	т.Пономарев Б.Н.	- за
	т.Устинов Д.Ф.	- за

т.Пельше А.Я. - за

В. Сулов

СЕКРЕТНО
Секретариат ЦК КПСС
1974 г. 26 июня

149	Выпущен тт. <i>Воробьеву, Романову</i>
21.VI.1974.	<i>15.VI.78. т. Бобрану Б.Н. (указание Б. Бобрану к м.)</i>
	Разослано: 27.VI.1974. <i>Халитурин</i>

دوسیه مخصوص

اشد محرم

ضمیمه

شفر کا. گی. بی

کابل

به مسوول کا. گی. بی

ضمن ملاقات نوبتی با ک. بیرک و ن. تره کی، مطابق دستور نکات زیر را به اطلاع آنها برسانید:

« در ماسکو نتایج دیدار رسمی و دوستانه محمد داوود رییس دولت و صدراعظم جمهوری افغانستان را، که در اعلامیه مشترک شوروی - افغانستان بازتاب یافته و در هردو کشور به نشر رسیده، عالی ارزیابی می کنند. ابراز امیدواری می شود که این دیدار نقش مهمی در تحکیم روابط دوستانه و همکاری های مثمر میان دولتین ما خواهد داشت.

مایه بی رضابتمندی کامل ما این واقعیت گردید که رهبر جمهوری افغانستان در اولین سفر خارجی، از ماسکو و از همسایه بی شمالی خود دیدار به عمل آورد.

اشتراک مستقیم لئونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش، نیکولای پدگورنی رییس شورای عالی اتحاد شوروی و الکسی کاسیگین رییس شورای وزیران در مذاکرات با محمد داوود و دیگر اعضای هیئت دولتی افغانی، که در فضای تفاهم و سطح عالی اعتماد صورت پذیرفت، بیانگر توجه زیاد رهبری شوروی به تعمیق و گسترش مناسبات دوستانه و حسن همجواری با جمهوری افغانستان و ارتقای آن در سطح جدید و عالی است.

در جریان مذاکرات مسایل مختلف از جمله مناسبات دوجانبه و اوضاع جهانی مورد بحث قرار گرفت.

رهبری شوروی، به پاسخ درخواست جانب افغانی، اعلام نمود که اتحاد شوروی کماکان آماده است تا همسایه بی جنوبی خویش را در امر تحقق پلانهای حکومت جمهوری، که هدف آن رشد و انکشاف اقتصاد و بلندبردن سطح رفاه و فرهنگ مردم افغانستان است، یاری رساند.

در جریان بحث در باره موضوعات بین المللی معلوم گردید که هر دو جانب در پاره یی از مسایل مهم یا دارای نقاط نظر مشترک و یا هم نزدیک باهم اند. این موضوع رضایتمندی خاطر رهبری شوروی و رییس دولت افغانستان را فراهم آورد.

با اطمینان میتوان گفت که نتایج دیدار رسمی و دوستانه محمد داوود از اتحاد شوروی، تاثیر مثبتی در انکشاف بیشتر و تعمیق دوستی محکم و همکاری های با ثمر میان کشور های ما و برای خیر و صلاح مردم شوروی و افغانستان و به سود صلح عمومی خواهد داشت.

گسترش و تعمیق مناسبات دوستانه شوروی - افغان، که بر مبنای اصول برابری، احترام به استقلالیت متقابل، استقلال و عدم مداخله در امور داخلی یک دیگر استوار است، بدون شک زمینهء تحکیم بعدی پایه های رژیم جمهوری را، که از جولای سال گذشته در افغانستان بر سر قدرت است، فراهم می آورد. این مسأله میتواند ممد خوبی به تلاشهای مردم و رهبری جمهوری افغانستان در راستای حل مسایل تأخیر ناپذیر اجتماعی - اقتصادی و راندن کشور در جادهء صلح، سازندگی، ترقی ملی و اجتماعی باشد.

بدیهیست، وظایف که در برابر جمهوری افغانستان قرار دارند، بسیار سنگین و خیلی دشوار اند. قسمیکه پدگورنی رییس شورای عالی اتحاد شوروی در ضیافت صبحانه به افتخار محمد داوود به تاریخ 5 جون 1974 در کاخ کرملین ترتیب داده بود، گفت: «وظایف مذکور، طوریکه تجربه نشان داده، زمانی میتواند موفقانه حل گردند، هرگاه مشی اتخاذ شده با قاطعیت پیش برده شود؛ توده های وسیع برای ساختمان زندگی نوین جلب گردند؛ و نیرو های که صادقانه علاقمند تحکیم ساختار جدید اند، به طور فعال و دوشادوش همدیگر عمل نمایند.»

در برابر نیرو های مترقی افغانستان، که از نظر عینی جانبداران مطمئن رژیم جمهوری اند، وظایف بس بزرگ و مهم قرار دارند. در شرایطی که ارتجاع داخلی و خارجی با مبارزهء متداوم شان میکوشند، به احیای دوبارهء نظم کهنه بپردازند؛ لازم است تا رهبری سازمانهای مترقی، اختلافات نظری شانرا کنار بگذارند زیرا تداوم مبارزه میان آنها سبب تضعیف شان شده و در نهایت امر آب به آسیاب نیرو های ارتجاعی خواهد ریخت.

همبستگی نیرو هاییکه اکنون بدور «پرچم» و «خلق» با هدف دفاع از منافع کارگران، دهقانان و تمام اقشار زحمتکش جامعهء افغانی و بر پایهء همکاری با رژیم جمهوری در تحت رهبری محمد داوود جمع شده اند، در حکم به نفع تحکیم استقلال ملی کشور خواهد بود.

لطفا متن تلگرام حاضر را به آگاهی سفیر شوروی برسانید.

در باره اجرای آن گزارش دهید.

42
ОСОБАЯ ПАПКА

Сов. секретно

Приложение

к № 112, 57, 5-129

Шифром КГБ

КАБУЛ

РЕЗИДЕНТУ КГБ

При очередной встрече с К.Бобраком и Н.Тараки, сославшись на поручение, передайте им следующее.

"В Москве высоко оценивает итоги официального дружественного визита в Советский Союз главы государства и премьер-министра Республики Афганистан Мухаммеда Дауда, которые зафиксированы в совместном советско-афганском заявлении, опубликованном в СССР и в Афганистане. Выражается уверенность в том, что этот визит внесет большой вклад в укрепление отношений дружбы и плодотворного сотрудничества между нашими странами. С большим удовлетворением отмечают тот факт, что свой первый визит за границу лидер республиканского Афганистана нанес в Москву, к своему северному соседу.

Непосредственное участие Генерального секретаря ЦК КПСС Л.И.Брежневца, Председателя Президиума Верховного Совета СССР Н.В.Подгорного и Председателя Совета Министров СССР А.Н.Косыгина в переговорах с М.Даудом и другими афганскими государственными деятелями, которые проходили в атмосфере сердечности, взаимопонимания и высокого уровня доверия, свидетельствует о том большом внимании, которое советские руководители уделяют укреплению и расширению дружественных, добрососедских отношений с Республикой Афганистан, подъему этих отношений на новую, более высокую ступень.

В ходе переговоров был обсужден широкий круг вопросов двусторонних отношений и международного положения.

Советские руководители, идя навстречу пожеланиям афганской стороны, заявили, что Советский Союз, как и прежде, будет оказывать содействие своему южному соседу в реализации планов рес-

94

~~8.~~

борьбы между ними лишь ослабляет их, и по существу льет воду на мельницу реакционных сил.

Интересам укрепления национальной независимости страны отвечало бы сплочение сил, объединенных сейчас в "Парчам" и "Халык" с целью защиты интересов рабочих, крестьян, всех трудовых слоев афганского общества на базе сотрудничества с республиканским режимом и правительством республики во главе с Мухаммадом Даудом".

С текстом настоящей телеграммы ознакомьте совпосла.
Об исполнении доложите.



2ка

24.71.74г.
20/КС.БВ
зак.2714, 6л.

ОСОБАЯ ПАПКА ^{уу}

Сов. секретно

Ц К К П С С



Об информации для руководителей афганских прогрессивных политических организаций "Парчам" и "Хальк" об итогах визита Мухаммеда Дауда в СССР.

Руководители прогрессивных политических организаций Афганистана Кармаль Бобрак ("Парчам") и Нур Тараки ("Хальк"), поддерживающие неофициальные контакты с ЦК КПСС через резидента Комитета государственной безопасности при Совете Министров СССР в Кабуле, вскоре после установления в стране в июле 1973 г. республиканского режима, используя прогрессивно настроенные элементы в ЦК республики, правительстве и армии, повели беспринципную междоусобную борьбу за укрепление позиций и влияния своих группировок, за право "представлять коммунистическую партию" в стране. Вместе с тем, они, равно как и прокитайские и националистические группировки, развернули активную политическую работу в армии и в государственном аппарате, что вызвало серьезное беспокойство главы государства и премьер-министра республики Афганистан Мухаммеда Дауда.

Особое беспокойство М. Дауда вызвала переданная ему органами безопасности информация о якобы вынашиваемых левыми силами планах отстранения его от власти, если он не пойдет на ускорение социально-экономических преобразований и перевода Афганистана на рельсы некапиталистического, а в дальнейшем и социалистического пути развития.

В феврале-марте 1974 г. М. Дауд провел ряд мер, направленных на подавление прогрессивных сил и запретил "Парчам" и "Хальк" заниматься политической деятельностью.

В январе 1974 г. К. Бобраку и Н. Тараки была высказана рекомендация (СТ 109/31-гс от 8.1.74 г.) о необходимости прекращения междоусобной борьбы, воссоединения обеих группировок в единой партии и сосредоточении их совместных усилий на всемерной поддержке республиканского режима в стране.

دوسیه مخصوص

اشد محرم

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

1796

21 جون 1974

سکتور 2

کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

در باره اطلاعات به رهبران سازمانهای سیاسی مترقی افغانی «پرچم» و «خلق» در باره نتایج دیدار محمد داوود از اتحاد شوروی

رهبران سازمانهای سیاسی مترقی افغانستان یعنی ببرک کارمل (از جانب «پرچم») و نورمحمد تره کی (از جانب «خلق»)، که تماس های غیر رسمی با کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و از طریق نماینده استخبارات کمیته امنیت دولتی (کا.گی. بی) مربوط به شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی در کابل دارند؛ به زودی پس از برقراری رژیم جمهوری در جولای 1973 در کشور، با استفاده از عناصر مترقی در درون کمیته مرکزی، حکومت و اردوی جمهوری، علیه یکدیگر دست به مبارزه غیراصولی جهت تحکیم مواضع و نفوذ گروه هایشان در درون حاکمیت زده و ادعای حق نمایندگی «حزب کمونیست» در کشور را می نمایند.

همچنان آنها به مثل گروه های طرفدار چین و یا ناسیونالیست ها کار فعال سیاسی را در درون اردو و دستگاه دولتی به راه انداخته اند، که مایه بی نگرانی محمد داوود رییس دولت و صدراعظم جمهوری افغانستان شده است.

نگرانی بخصوص محمد داوود از آنجا مایه میگیرد که ارگانهای امنیتی کشور، اطلاعاتی را در اختیار وی گذاشته اند مبنی بر اینکه گویا نیرو های چپ پلان دارند تا محمد داوود را در صورتیکه دست به تسریع دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی نزنند و افغانستان را در مسیر رشد غیر سرمایه داری و در بعد راه انکشاف سوسیالیستی هدایت نکنند، از قدرت برکنار سازند.

بدین لحاظ، محمد داوود، در ماه های فبروری و مارچ 1974، اقداماتی را جهت سرکوبی نیرو های مترقی و ممنوعیت «پرچم» و «خلق» از فعالیت های سیاسی عملی ساخت.

در جنوری سال 1974 به بیرک کارمل و نورمحمد تره کی (مطابق سند CT 109/31 مورخ 1974/1/8) در بارهء ضرورت قطع مبارزه علیه همدیگر و وحدت دوباره هردو گروه در یک حزب واحد و تمرکز تلاشهای مشترک آنها به خاطر حمایت همه جانبه از رژیم جمهوری در کشور توصیه به عمل آمد.

اکنون عاقلانه پنداشته شد تا توصیه را با اطلاعات در بارهء نتایج سفر محمد داوود از اتحادشوروی ضمیمه ساخته و به آنها تکرار نمود. لطفاً سفیر شوروی در کابل را نیز با اطلاعات آشنا سازید.

طرح فیصله نامه کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش ضمیمه است.

معاون بخش روابط بین المللی ح. ک. ا. ش

اولیانوفسکی

21 جون 1974

100

2.

Полагала бы целесообразным вновь высказать им эту рекомендацию, которую можно было бы включить в информацию об итогах недавнего визита М.Дауда в Советский Союз. С информацией следовало бы ознакомить сопосла в Кабуле.

Проект постановления ЦК КПСС прилагается.

Зам. зав. Международным отделом
ЦК КПСС



(Р.Ульяновский)

" 21 " июля 1974 г.

№ 25-С-1183

